

لغات فارسی و عربی و ترکی در فرانسه

دوست دانشمند ما آقای فرامرزی معلم زبان فرانسه در دانشکده ادبیات سورتنی از لغات دخیل (عربی و فارسی و ترکی) که در زبان فرانسه وارد شده تهیه نموده‌اند و ما برای مزید اطلاع خوانندگان محترم عیناً در هر شماره قسمتی از آنها را درج میکنیم :

A

Abrirot ، زردآلو - در قرن شانزدهم این لغت بزبان فرانسه (aubercot) و بزبان پرتغالی (albricoque) تلفظ میشده و هر دو از عربی (البرقوق) اقتباس شده‌اند .

Alcade ، از اسپانیولی (alcade) گرفته شده و خود کلمه آخر هم از عربی (القاضی) که تلفظ آن گاهی القادی است اخذ گردیده است .

Alcali ، از عربی (القالی) بمعنی نمک قلیا اقتباس شده است .

Alcarazas ، کوزه - این لغت در قرن نوزدهم از اسپانیولی (alcarraza) گرفته شده است و لغت اسپانیولی هم از عربی (الکراز) اقتباس گردیده است (۱)
Alchimie ، از لاتینی قرون وسطی و لغت آخر هم از عربی (الکیمیا) بمعنی علم کیمیاگری اقتباس گردیده است .

Alcool ، الکل در قرن شانزدهم از عربی (الکحل) عاریه گرفته شده است .

Alcôve ، پستو و اطاق خواب - در قرن هفدهم از اسپانیولی (alcoba) و کلمه آخر هم از عربی (الکعبه) بمعنی اطاق اقتباس گردیده است .

Alezan ، اسب قزل - ظاهراً از عربی (الازعر) اخذ شده است

Alfa ، گیاهی است از خانواده غلات که برای ساختن کاغذ و کفش و غیره بکار آید و از عربی (حلفاء) گرفته شده است

Alfange ، نوعی شمشیر - از عربی (الخنجر) اخذ شده است

Algarade ، نزارع و توهین - از عربی (الغارت) اقتباس شده است

(۱) الکراز (بانشد بدو بدون تشدید را) القاروره او کوزضیق الرأس ج . کرزان (قطر محیط)

- Algebre ، جبر و مقابله - از لاتینی قرون وسطی (algebra) و خود از عربی (الجبر) اقتباس شده است
- Alguazil ، پاسبان و مامور پلیس - از اسپانیولی (alguacil) و خود کلمه آخر هم از عربی (الوزیر) بمعنی مشاور اقتباس گردیده است
- Alidade ، آلت مهندسی و نقشه برداری - در قرن شانزدهم از عربی (العداد) اقتباس شده است
- Alambic ، دیگ عرق کشی - از عربی (الامبیق) گرفته شده است
- Alkekenge ، صمغ درختی است در کوه های هرات - از عربی (الکاکنج) گرفته شده است
- Almee ، رقاصه مصری - از عربی (عالمه : در فن رقص و آواز) گرفته شده است
- Amalgame ، اختلاط - از لاتینی کیمیا گران (amalgama) و خود لغت لاتینی از عربی (ملغمه) اقتباس گردیده است و بنظر می آید که لغت عربی هم از یونانی (malagma) که بمعنی خمیر کردن است اخذ گردیده است.
- Aman ، امن - از عربی (امان) اقتباس شده است
- Ambre ، کهربا - از عربی (عنبر) گرفته شده است
- Assassin ، قاتل - از ایتالیایی (assassino) که خود جمع لغت عربی (الحشاشین) بمعنی حشیش کشنده است اقتباس شده
- Aubergine ، بادنجان - از زبان کانالان (alberginia) در شمال شرقی اسپانیا) و لغت اخیر هم از عربی (البادنجان) که از فارسی اخذ شده اقتباس گردیده است
- Avarie ، آبردگی و خسارت - از ایتالیایی (avaria) و لغت اخیر از عربی (عواریه) اقتباس گردیده است

Azur ، لاجورد - از فارسی گرفته شده است . در قرن دوازدهم (ل) لاجورد اشتباهاً حرف تعریف و خود کلمه عربی تلقی شده و بدین مناسبت به جای (lazur) این کلمه بشکل فعلی در آمده است

Avatar ، تغیر و تناسخ - از سانسگریت (avâtaria) اخذ شده است

B

Babouche ، پاپوش ماخوذ از فارسی است در قرن شانزدهم این کلمه بفرانسه papouche نوشته میشد

Badamier ، یکنوع درخت مناطق گرم سیر که میوه آن معروف به myrobalan است - ماخوذ از فارسی (بادام) است

Bakchich بخشش - این لغت از ترکی و لغت ترکی از فارسی (بخشیدن) اقتباس شده است

Balais ، لعل بدخشان - از لاتینی قرون وسطی (balascius) و لغت اخیر از نام نواحی اطراف سمرقند (بدخشان) که کان لعل دارد گرفته شده است
Barda ، پوشش فلزی سینه اسب جنگی - ماخوذ از عربی (البردیه) بمعنی جل و بالان است

Bazar (بازار) - از پرتغالی و خود لغت پرتغالی از فارسی اقتباس شده است
Bergamote ، نوعی از پرتقال و گلابی مرغوب - از ایتالیائی (bergamotta) و لغت اخیر هم از ترکی (بیک آرموتی) و شاید هم از اسم شهر (پیرگام) واقع در آسیای صغیر مشتق شده است

Bezoard ، تریاق و ضد زهر - در قرن چهاردهم از عربی (بازهر) که خود از فارسی (پاد زهر) اقتباس شده اخذ گردیده است

Bled زمین - ماخوذ از عربی (بلد) بمعنی شهر و زمین است

Borax برات هیدراته دوسود - از لاتینی قرون وسطی و لاتینی از عربی (البورق) (۱) و کلمه عربی هم از فارسی (بوره) بمعنی ملح ایرانی اقتباس شده است

۱ - البورق اصناف مائی و جیلی و ارضی و مصری و هوالنظرون معرب بوره بالافارسیه (فطرالمحیط)